

از مجموعه‌ی آرشیوهای قدغن

# پروژه‌ی جهرم



پیوست‌شده به پروژه‌ی تصویری سه قسمتی

جهرم، رویای ناتمام

جهرم، کابوس مدام

جهرم، تصویر دوردست





از مجموعه آرشیوهای قدغن

# پروژه‌های جهرم

پیوست شده به پروژه‌ی تصویری سه قسمتی:

جهرم، رویای ناتمام

جهرم، کابوس مدام

جهرم، تصویر دوردست

**اول:** در «پروژه‌ی جهرم» آموختیم روایت تاریخ گذشته همواره به معنای به یاد آوردن است و به یاد آوردن همواره امری جمعی است و نیز امری پایان‌ناپذیر. حتا اگر راوی تنها یک نفر باشد حرف زدن او دیگران را نیز تشویق به حرف زدن می‌کند. چنین است که در مقابل تاریخی تک‌گو و تدوین‌شده در بالا، نه فقط توسط دشمنان بلکه هم‌چنین توسط رهبران و سرورانی که هنوز هم گمان می‌کنند از بالا به همه چیز احاطه داشته‌اند و بنابراین راستین‌ترین راویان روایت تاریخ‌اند، مونتاژ تاریخی از پایین شکل می‌گیرد که رو به مشارکت همه‌گان گشوده است. در پروژه‌ی جهرم از بخت‌یاری ما، تعداد راویان بیش از یک نفر بود و بخش عمده‌ی کسانی که با آنها گفت‌وگو کردیم مدتی طولانی با همدیگر زیسته بودند، در جهرم و در دوران مبارزه، در دهه‌ی شصت و در شرایط زندگی مخفی و هم‌چنین در یک شهر در تبعید. روند کار چنین پیش رفت که در دور اول با چهار نفر، محمود رحمانیان (اوس محمود)، ابراهیم رحمانیان، کرامت رحمانیان و امیر زارعیان گفت‌وگو کردیم، بعد از چند وقت و در شرایطی که متاسفانه رفیق عزیزمان اوس محمود در نتیجه‌ی بیماری سرطان درگذشته بود، نسخه‌ی تدوین‌شده از دور اول گفت‌وگو را برای پنج نفر پخش کردیم که دو نفر از آنها، فرج رحمانیان و شکرالله رحمانیان، در گفت‌وگوی پیشین حضور نداشتند و در زمان پخش این نسخه نکات بسیاری را به یاد آوردند و تصحیح کردند

و موجب شدند کسانی که در دور اول گفت‌وگو حضور داشتند نیز چیزهای جدیدی را به یاد بیاورند یا آنچه در گفت‌وگوی پیشین به یاد آورده بودند تصحیح کنند. کل جلسه‌ی پخش فیلم و بحث‌های رفقا با هم و در کنار هم را نیز ضبط کردیم و بخش ضروری آن را به فیلم افزودیم تا نسخه‌ی دوم به دست آمد. در خلال همین رفت‌وآمد به محل سکونت رفقا، رفقای دیگری در جریان قرار گرفتند که ما در حال انجام این پروژه هستیم و پیشنهاد انجام پروژه‌های مشابهی را در مورد شهرهای خودشان یا شهرهای رفقای که در شهرهای دیگر می‌شناختند با ما در میان گذاشتند. چنین بود که نه تنها مونتاژ تاریخی از پایین در مورد جهرم آغاز شد بلکه امکانات مونتاژ تاریخی از پایین در مورد چندین شهر و منطقه‌ی دیگر را نیز گشود. رفقای جهرم با همدیگر به یاد آوردند و در مورد آنچه به یاد می‌آوردند با هم گفت‌وگو کردند و این گفت‌وگو، این به یاد آوردن جمعی، موجب شد دیگران نیز به یاد بیاورند و هم‌چنان امیدواریم این روند ادامه یابد.

**دوم:** می‌دانیم که بسیاری هنوز برای به یاد آوردن و شکستن سکوت آماده نیستند. به یاد آوردن گذشته لااقل از دو وجه بسیار تروماتیک است. در این به یاد آوردن هم آن گذشته‌ی رستگارنشده با تمامی امکانات مغفول‌مانده‌اش باز می‌گردد و هم خشونت‌ی که سوژه‌ی تاریخی در لحظه‌ی وقوع حوادث تجربه کرده از نو و به شکلی دیگر تجربه می‌شود. این اما تنها مسیر واقعی ثبت تاریخ است. نمونه‌های بسیاری از مصاحبه‌های مدت‌دار دیده‌ایم که اصرار دارند سوژه‌ی تاریخی در مدت‌زمانی محدود و معلوم تمامی تجربه‌های خودش را بازگوید. در چنین زمان‌بندی محدود و معینی، که از بیرون و برای رضایت مخاطب، به گفت‌وگو تحمیل می‌شود، سوژه‌ی تاریخی تنها همان چیزهایی را به یاد می‌آورد که گمان می‌کند برای مخاطب شنیدن آنها واجب است. دلیل مشابهت تمامی نسخ موجود مکتوب و تصویری از تاریخ مبارزات جهرم همین است. به همین دلیل در این گفت‌وگو ما «زمان» را محدود نکرده و از هرچه طولانی‌تر حرف زدن رفقا استقبال کردیم، هرچه بیشتر به یاد آوردن جزئیات، هرچه بیشتر کشف خرده‌روایت‌هایی که روایت را می‌سازند حتا اگر این خرده‌روایت‌ها در مواردی با هم متناقض باشند. مسئله‌ی به یاد آوردن، به یاد آوردن دقیق تمامی دقیق نیست، هرچند تا حد امکان باید در جستجوی دقیق بودن و دقیق شدن بود، اما مسئله‌ی به یاد آوردن و مونتاژ تاریخ از پایین، با همین تناقض‌های ناگزیر، به یاد آوردن کلیتی خواهد بود که تمامی آن ناچیز شمرده شده است.

**سوم:** چگونه باید به سراغ جهرم می‌رفتیم؟ این پرسشی بود که از همان آغاز این پروژه در مقابل ما قرار داشت. در جهرم به دنبال چه چیزی می‌گشتیم که پیش از این گفته نشده باشد؟ در مورد «جهرم»، یا به عبارت دقیق‌تر، تنها در مورد فعالیت‌های جنایتکارانه‌ی گروه قنات در جهرم تاکنون چند سند مکتوب و چند سند تصویری منتشر شده است. معضل اصلی نه فقط در این اسناد، بلکه در بخشی از روایت مسلط در مورد تاریخ این است که همواره

با شکلی از «پورنوگرافی رنج» در روایت تاریخی روبه‌رو بوده‌ایم. فهرست بلندی از قربانیانی بدون ایدئولوژی، بدون آرمان و بدون تعلق سازمانی که کشته شده‌اند، زندانی شده‌اند، مورد شکنجه قرار گرفته‌اند، آواره شده‌اند و در یک کلام «سرکوب» و تنها سرکوب شده‌اند. بنابراین اولین تلاش ما باید این می‌بود که روایت تاریخ را از روایت سرکوب نجات دهیم و آن را به متن جزئیات نادیده‌گرفته‌شده‌ای بازگردانیم که تصویر مسلط از نادیده انگاشتن آنها سود می‌برد. به این ترتیب مستندسازی سرکوب برای ما تنها در وضعیتی معنا داشت که پیش از آن روشن کنیم چه چیزی سرکوب شده و در خلال آن آشکار شود چه مقاومتی در برابر این سرکوب شکل گرفته است. نوشتن این جملات البته ساده است اما در متن یک پروژه‌ی پژوهشی برای رسیدن به این نقطه باید مسیر دشواری را پیمود. پژوهش تاریخی به راحتی می‌تواند منجر به تبدیل تاریخ به «موزه» شود؛ گذشته‌ای که گذشته است و تنها باید آن را «ثبت» و «آرشیو» کرد. مسئله‌ی ما اما این است که آن گذشته، نگذشته است. ما با گذشته‌ای رستگار نشده مواجهیم که نه فقط به امروز بلکه هم‌چنین به شکل مبرمی به آینده ربط دارد. در برابر تاریخ‌گرایی خوشبینانه‌ی غیرماتریالیستی که «تکامل» را سرنوشت ازلی و ابدی جوامع بشری می‌داند و به این ترتیب سوژه‌گی انسان‌ها را نفی می‌کند، محتوم دانستن آنچه که در انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد و سرنوشت انقلاب نیز با نادیده گرفتن بسیاری جزئیات سرنوشت‌ساز، حکم نقالی و داستان‌سرایی غیرمادی‌ای را پیدا می‌کند که نه فقط شکست را در گذشته امری قطعی می‌بیند بلکه از هم‌اینک در حال تدارک شکستی در آینده است. بنابراین رفتن به سراغ گذشته تنها برای ثبت گذشته و سپردن آن به موزه‌ی روایت‌ها نیست بلکه برای جستجوی امکان‌های پیروزی‌ای در گذشته است که به دست نیامدند و جدی گرفته نشدند اما وجود داشتند. کشف این امکان‌ها البته می‌تواند برای یک ناظر مایه‌ی افسوس باشد و تبدیل به نوستالژی ارتجاعی‌ای شود که همواره در حال افتخار به لحظات درخشان گذشته است، برای رزمنده اما کشف این امکان‌ها به معنای جستجوی منطق همین امکان‌ها در آینده است. به همین دلیل «آرشیوهای قدغن» و اینک «پروژه‌ی جهرم» تلاشی است برای جستجو در گذشته، نه برای ثبت و حفظ آثار آن در آرشیو بلکه برای تبدیل خود آرشیو به سلاحی برای نبرد رهایی‌بخش.

**چهارم:** مسئله‌ی پژوهش تاریخی رهایی‌بخش جدال روایت‌ها نیست. چنین نیست که در کنار یا حتا در مقابل روایت‌های موجود روایت دیگری از تاریخ ارائه شود. مسئله‌ی پژوهش تاریخی رهایی‌بخش به یاد آوردن خرده‌روایت‌های انکارشده، نادیده‌گرفته‌شده و فراموش‌شده است تا از طریق مونتاژ آنها تصویر حقیقی تاریخ برملا شود. این تنها روایت رسمی نیست که در زرادخانه‌های حکومت مستقر تولید می‌شود تا تاریخ حقیقی را انکار و تحریف کند؛ حکومت مستقر خود بخشی از نظم مستقری است که نمایندگان گوناگون دارد و تمامی این نمایندگان گوناگون نظم مستقر به شیوه‌ی خود پیوستار حقیقی تاریخ را تحریف و انکار می‌کنند. نه تنها هواداران

نظم سرنگون‌شده‌ی سلطانی و انقلابیونِ سابقِ پشیمان از گذشته‌ی خویش که از هر فرصتی برای ابراز ندامت و طلب مغفرت استفاده می‌کنند، بلکه هم‌چنین ایدئولوژی نظم مستقر که آرام آرام و خزنده مسیر خودش را حتا در میان نیروهای انقلابی نیز می‌گشاید. به این ترتیب است که اغلب سازمان‌ها و احزاب هنوز موجود، یا حتا آنهایی که با جمع‌ها و محفل‌های کوچک‌تری جایگزین شده‌اند که هنوز خودشان را به سنتی سیاسی-تشکیلاتی وفادار می‌دانند، اهتمام زیادی در فهرست کردن نام و زندگی‌نامه‌ی «شهدا» و «جان‌باختگان» و «جان‌فشانان» داشته‌اند اما هم‌چنان معلوم نیست این شهدا و جان‌باختگان و جان‌فشانان چرا شهید شده‌اند و جان باخته‌اند و جانشان را افشاندند. هیچ گزارش مستند و کاملی از اجزای مبارزات این سازمان‌ها به شمول مبارزات رفقای شهید از دست‌رفته در دست نیست تا بدانیم سرکوب انقلاب ۵۷ دقیقن سرکوب چه چیزی بوده است و کشتار انقلابیون ۵۷ دقیقن کشتار چه چیزی. از خلال همین زندگی‌نامه‌های کوتاه است که باید سازماندهی‌های اجتماعی را کشف کنیم، نهادهای کارگری و دهقانی را کشف کنیم، سازماندهی ستمدیدگان و زحمتکشان شهری و روستایی را کشف کنیم، ارگان‌های انقلابی و کمیته‌ها و شوراهای کشف کنیم تا بفهمیم ضدانقلاب حاکم شده دقیقن چه چیزی را سرکوب و چه کسانی را کشتار کرده است. درست همان نقطه‌ای که امکان‌های بالفعل‌نشده‌ی رهایی را نمایان می‌کند از فهرست شهدا و جان‌باختگان و جان‌فشانان حذف شده است تا هیچ‌کس نخواهد به این پاسخ بدهد که غیر از سرکوب دیگر چه چیزی منجر به این شد که تمامی آن امکانات نادیده گرفته شوند. این حذف، ناخودآگاه از همان منطقی تبعیت می‌کند که حذف همین تصاویر از کانال‌ها و صفحات اینستاگرامی بنا شده بر نوستالژی. صفحاتی که در مورد موضوع این فیلم ما نام‌هایی مشابه «جهرم قدیم» دارند اما در حالی که عکس‌های جشن‌های دولتی دوران اعلی‌حضرت و اعزام نیروهای بسیج به جبهه‌های جنگ در کنار هم به زیست مسالمت‌آمیز رسیده‌اند تا احساسات نوستالژیک را تحریک کنند، تصویر تمامی این مبارزات و مبارزان با دقتی ریاضی‌وار از تصویر شهر کسر و هر جا هم حضوری اتفاقی در عکسی داشته‌اند به عنوان «ناشناس» معرفی شده‌اند. روشن است که سخن گفتن در مورد آن گذشته و به یاد آوردن آن گذشته کل بساط نوستالژی را به هم می‌زند. همه می‌خواهند گذشته را به گذشته بسپارند. بنابراین ما در به تصویر کشیدن سیمای حقیقی جهرم به دنبال همین امکان‌ها و اخلاص در نظم نوستالژیک مستقر بودیم. تلاش کردیم نشان دهیم در شهری کوچک که نیروهای ارتجاعی مذهبی در آن سنت تاریخی کشتارگری و پایگاه توده‌ای معینی داشتند هم، فرصت‌ها و امکان‌های فراوانی برای نیروهای چپ گشوده بود. این نیروها نیز پایگاه توده‌ای و جایگاه اجتماعی معینی داشتند. اما این به خودی خود کافی نیست. به خوبی می‌دانیم مقاومت در برابر ارتجاع در یک شهر شدنی نیست و به همین دلیل در همین پروژه و در ادامه‌ی «پروژه‌ی جهرم» به سراغ شهرهای دیگر خواهیم رفت تا نشان بدهیم آن نیروی شکست‌طلبی که امکان مقاومت

را در دیروز نفی می‌کند ابتدا مجبور است برای اثبات مدعای خودش هر نقطه را از نقاط دیگر منتزع کرده و سپس تصویر حقیقی همان نقطه را نیز دستکاری کند و از ریخت بیندازد. به این ترتیب محتوای سیاسی تمرکز بر روایت سرکوب در بیان گذشته‌ی تاریخی نیز آشکار می‌شود. تبدیل مبارزان به قربانیان برای این اتفاق می‌افتد که با نفی امکان پیروزی در گذشته پیشاپیش امکانات پیروزی در آینده نیز نفی شود، رویای امکان ابداع وضعیتی دیگر و نظم جدید چیزها با عقل سلیم ابزاری‌ای جایگزین شود که پیشاپیش به اقتضانات عینی‌نمایانده‌شده‌ی وضعیت گردن می‌گذارد و پیکار برای آنچه که باید باشد به پیکار برای چیزی که می‌تواند باشد تبدیل شود. این دقیقن سیمای نبردی مبرم در همین امروز است، نبردی بر سر آینده.

**پنجم:** ما در روایت تاریخ بی‌طرف نیستیم. هیچ روایت تاریخی‌ای بی‌طرف نیست. هر روایت تاریخی‌ای بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و گفتارهای ایدئولوژیک بنا شده است. مسئله خود این «طرف» است، همین سمت‌گیری تاریخی و طبقاتی که روشن می‌کند در تاریخ به دنبال چه چیزی باید گشت. به همان اندازه که سروران و رهبران و حاکمان، تاریخ اردوی ستم‌دیدگان را نادیده گرفته‌اند، انکار کرده‌اند و تحریف کرده‌اند، ستم‌دیدگان نیز حق دارند از پایگاه خودشان، از درون اردوی خودشان و با ارزش‌ها و آرمان خودشان در برج و باروی این تاریخ رسمی ترک بیندازند و دغلکاری‌های آن را روشن کنند. پایگاه ما چنین پایگاهی است و ما در این «طرف» ایستاده‌ایم. هم‌دوش آنان که نیستند، آنان که در سنگر کنار ما ایستاده‌اند و آنان که در آینده خواهند آمد.

**ششم:** به انجام رساندن این پروژه بدون همراهی‌ها و رفاقت‌های آنان که در مراحل گوناگون این پروژه ما را یاری دادند نشدنی بود. به ویژه رفقای جهرمی: محمود رحمانیان (اوس محمود)، ابراهیم رحمانیان، کرامت رحمانیان، امیر زارعیان، فرج رحمانیان و شکرالله رحمانیان که بارها و بارها زمان گذاشتند و به سوالات ما با مهر تمام پاسخ دادند و در کنار ما صبوری کردند تا این پروژه به بهترین نحوی که از ما برمی‌آمد به سرانجام برسد و نیز رفقای عزیزمان ناصر پیشرو و مه‌ری عباسی که اگر نبود رفاقت، همراهی و دلگرمی آنان این پروژه هرگز به انجام نمی‌رسید.

تعداد و مشخصات دقیق کسانی که توسط گروه قنات و نیای تاریخی آن، یعنی گروه ۱۵ خرداد در جهرم کشته شده‌اند معلوم نیست. قدر مسلم آن است که این تنها مبارزان سیاسی نبودند که توسط گروه قنات به قتل رسیدند. برخی از کسانی که به همجنسگرایی یا داشتن گرایش و هویت جنسی متفاوت مشهور بودند، تعدادی از کارگران جنسی، برخی افراد که از نظر متعصبان مرتجع گروه قنات «غیرمعمول» بودند، تعدادی از بهایی‌های جهرم و حتا تعدادی از افراد معمولی که در مخالفت با حکومت حرفی زده بودند توسط گروه قنات و پیش از آن توسط گروه ۱۵ خرداد به قتل رسیده‌اند.

هم‌چنین است وضعیت اعضای گروه قنات. با وجود آن‌که اغلب اعضای گروه قنات برای مبارزان و همین‌طور مردم جهرم شناخته شده‌اند اما در ضمن در فضای سانسور و ارباب این اطلاعات آلوده‌ی انواع شایعات نیز است. ما تلاش کرده‌ایم که به یاری رفقای جهرم و دسترسی‌های محلی آنان تنها نام کسانی را در این فهرست ذکر کنیم که عضویت آنان در گروه قنات قطعی بوده است.

### فهرست برخی کشته‌شدگان توسط گروه قنات

- مهبد مقدسی ← هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران
- احمد حکیمی‌نژاد ← هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران
- حمید غفوری ← هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران
- عظیم سرعتی ← هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت)
- جلیله صیادی ← هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران
- ?? نقی‌زاده (برادر کوچک)
- محمدعلی صراف‌پور جهرمی ← پدر او نمایندگی فروش روزنامه‌ها را در جهرم داشت و به همین دلیل به «آقای اطلاعات» معروف بود. از وابستگی سازمانی احتمالی صراف‌پور اطلاعی در دست نیست اما برادر او «حامد صراف‌پور» از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق ایران است که بعد از جدایی از سازمان اکنون در کانادا از مدافعان جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.
- منوچهر هنری ← هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران

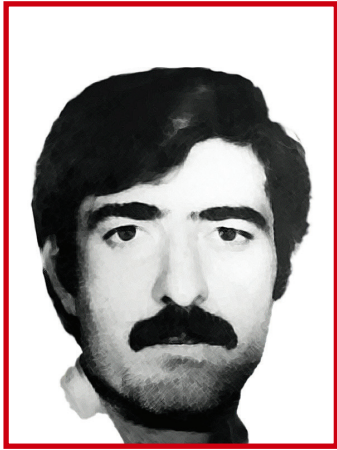




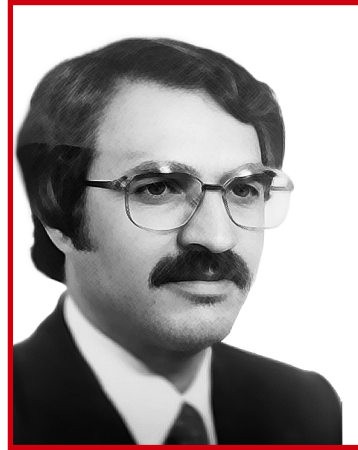
احمد حکیمی نژاد



حمید غفوری



عظیم سرعتی



محمد علی صراف پور جهرمی



جلیله صیادی



منوچهر هنری

## فهرست سازمان‌دهندگان و برخی اعضای گروه قنات

### سازمان‌دهندگان

- علی‌محمد بشارتی (به فیلم مراجعه کنید)
- حسین آیت‌اللهی ← امام جمعه‌ی جهرم تا زمان مرگ در سال ۱۳۷۹
- نصرالله میمنه
- جلال آتشی
- غلامعلی مهربان ← معلم، عضو کمیته‌ی مرکزی انقلاب اسلامی در جهرم و مسئول حزب جمهوری اسلامی در این شهر

### رابط سازمان‌دهندگان و نیروهای عملیاتی

- ابوطالب رحمانیان ← فرزند حاجی باشی

### نیروهای عملیاتی

- حسن‌علی پرنیان ← کشته شده در سال ۱۳۶۱ در شوش (جنگ ایران و عراق)
- هادی جایمند (فرزند حمزه)
- کریم چراغ
- مندی‌حاجی دلاور
- ربیعی ← (هر سه برادر از عوامل از حکومت بودند اما فقط یکی از آنها در تیم‌های عملیاتی گروه قنات حضور داشت)
- حسین رحمانیان ← فرزند احمد
- عبدالرحیم رحمانیان ← فرزند حاجی باشی، کشته شده در جنگ ایران و عراق
- عبدالرضا رحمانیان ← فرزند احمد حاج عباس
- عزیز رحمانیان

- محمد رحمانیان ← فرزند حاجی باشی، کشته شده در جنگ ایران و عراق
- مسعود رحمانیان ← خواهرزاده‌ی شکرالله نمدچی
- مصطفی رحمانیان ← فرزند حاجی باشی، کشته شده در جنگ ایران و عراق
- علی زارعیان (علی پناه یا علی سیاه)
- عزت سیاه
- علی محمد شادمند
- جواد شادمند
- جلال عباسزاده
- جمال عباسزاده
- هدایت فاخر ← معلم
- رسول قوامی‌پور
- امیر مولایی ← میوه‌فروش
- شکرالله فرخیان (نمدچی)
- محمد گلو (نوروزی)
- کریم یعقوبی
- محمد یوسف زادگان ← فیلمبردار بعدی مجموعه‌ی روایت فتح مرتضی آوینی



حسین آیت اللہی



نصر اللہ میمنہ



جلال آتشی



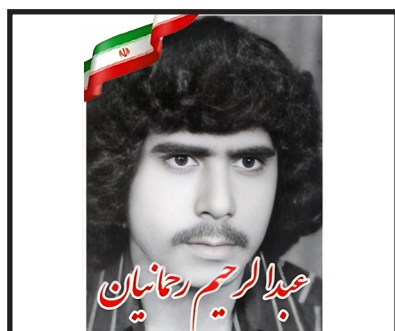




غلامعلی مهربان



ابوطالب رحمانیان



عبدالرحیم رحمانیان



عبدالرضا رحمانیان



جمال عباسزاده



هدایت فاخر یکی از این دو نفر است

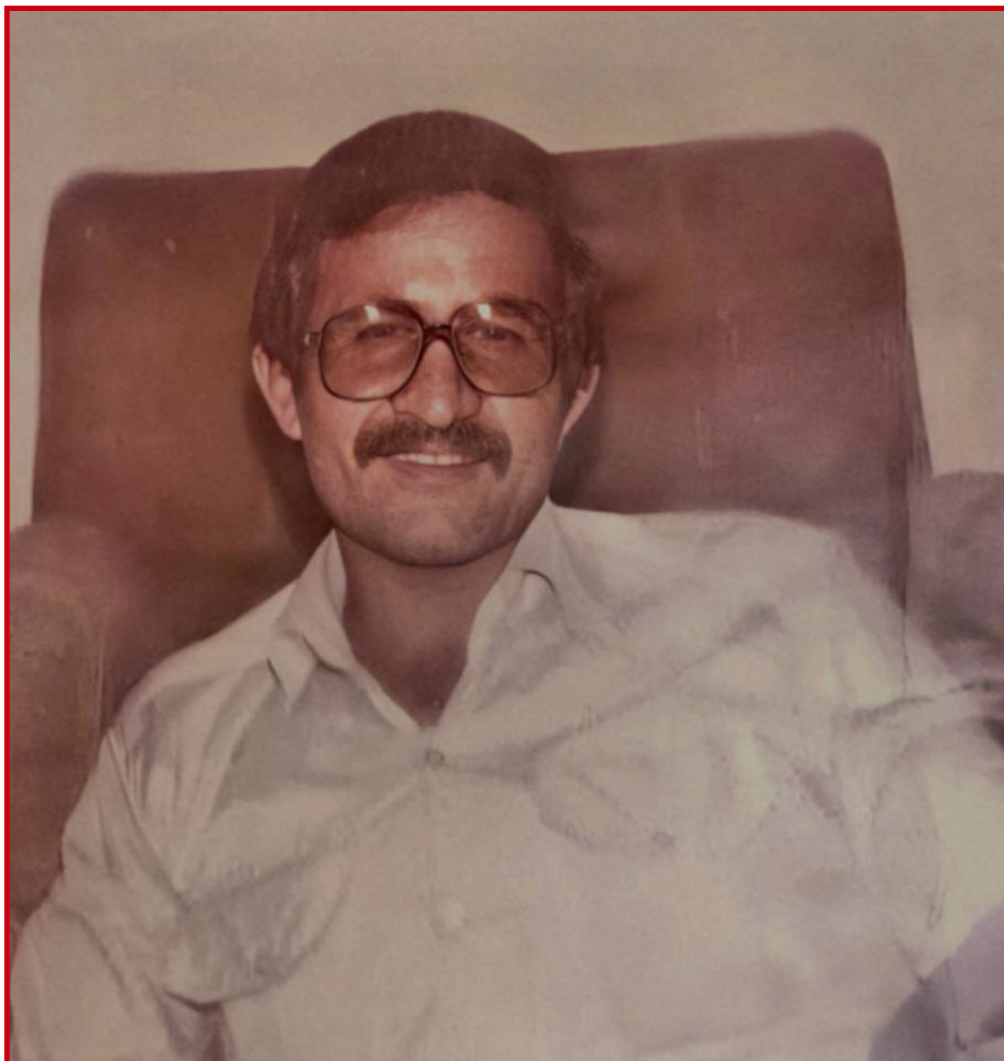


محمد یوسفزادگان



عوض گنا (دیوانه) انسان بیماری که به دلیل آن که لخت در سطح شهر راه می‌رفت توسط گروه ۱۵ خرداد کشته شد

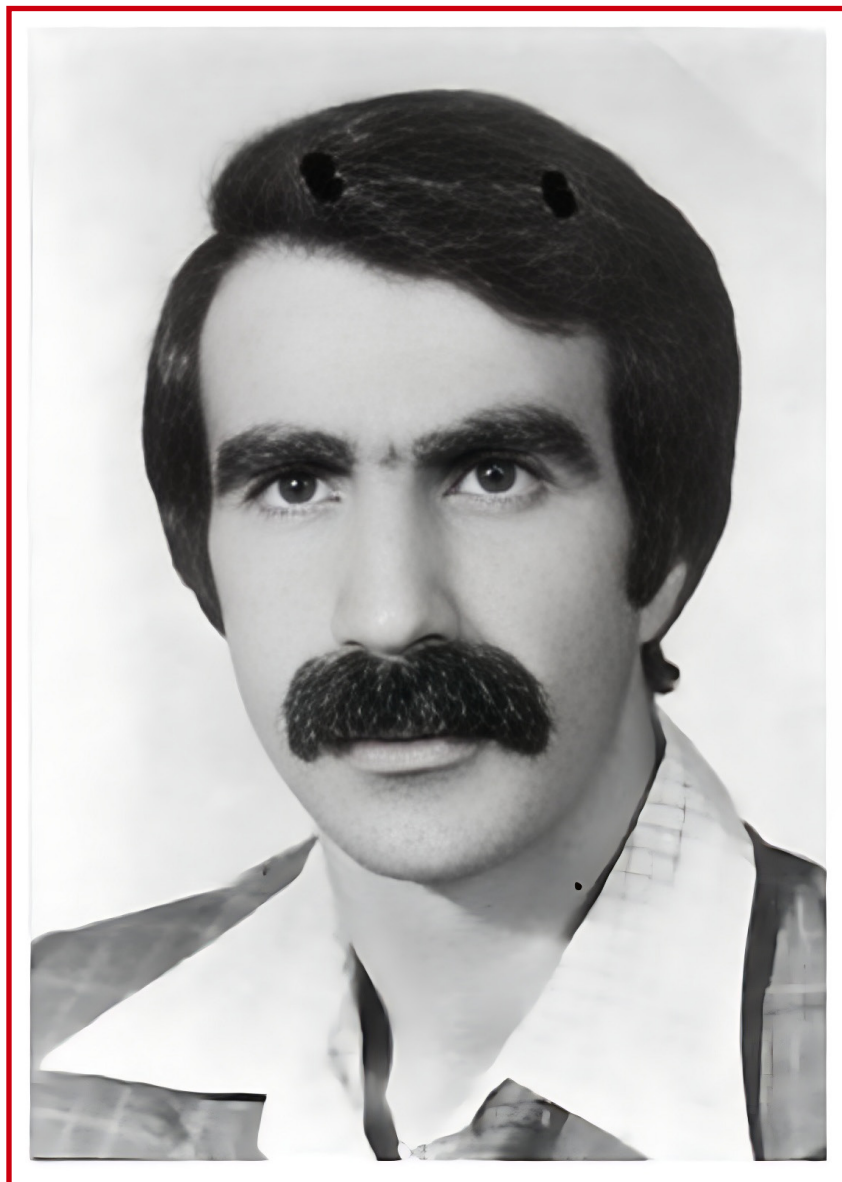
## با یاد



مرتضی کریمی (ایوب)

(...-بهمن ۱۳۶۲)

عضو کمیتهی کارگری تهران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران-اقلیت



رضا ستوده

(۱۳۲۴ - ۲۷ شهریور ۱۳۶۳)

مسئول تشکیلات قزوین سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - اقلیت

منڙپوڻ  
Manjanigh

